فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی ام. بهار ۱۳۹۸، صص۱۹۲-۱۷۵
Vol 3. No 30. 2019, p 175-192
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵)
ISSN: (2538-6395)

اخلاق و آداب تجارت در نهج البلاغه

محمد ذاکری
دانشجوی مقطع دکترا رشته فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد. ایران

چکیده

"کسب و تجارت" موضوعی است که در همه جوامع بشری بوده و هست و قبل از آنکه یک موضوع تشریعی باشد یک امر تکوینی، انسانی و بشری بوده و ادیان آسمانی بویژه اسلام در راستای اهمیّت آن به کمک بشر شتافته، و به نظم و نَسَق دادن آن پرداخته. در نهج‌البلاغه و دیگر مجموعه‌های حدیثی، مطالب بسیار ارزشمند و دقیقی در خصوص تجارت و کاسبی به چشم می‌خورد. پیامبر اسلام (ص) خود به تجارت و بازرگانی توجه داشته و در دوره جوانی با عموی خود ابوطالب به سفرهای تجاری می‌رفته، سپس عامل تجاری خدیجه شد تا جائی که امانتداری و خوش رفتاری او در تجارت، باعث توجه بیشتر خدیجه به او شد که همین امر هم مسبب ازدواج آن دو گردید. و پس از بعثت هم، خدیجه تمام ثروت و دارایی خود را در راه اسلام هزینه نمود و باعث شکوفایی آن گردید. بدون تردید، تجارت و بازرگانی نقش عمده‌ای در شکوفایی و رونق اقتصادی یک جامعه داشته، از همین روست که تجارت، در همه زمان‌ها، مظهر فعالیت‌های اقتصادی بوده و تجّار و بازرگانان صالح و پایبند به اخلاق و ارزش‌ها به عنوان طبقه ارزشمند و تأثیرگذار در پیشرفت و توسعه به حساب آمده‌اند.

در این مقاله تلاش شده به موضوع اخلاق و آداب "تجارت و بازرگانی" از نگاه نهج البلاغه پرداخته شود و سیری در کلام امام علی (ع) در رابطه با این موضوع داشته باشیم.

واژه‌های کلیدی: نهج البلاغه، امام علی (ع)، اسلام، اخلاق، آداب

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

اقسام تجارت و کاسبی[1]

حکمت ٤٣١

قال علی (ع): اَلرِّزقُ رِزقان: طالبٌ و مَطلوبٌ. . .

فَمَن طَلَبَ ألدّنیا طَلَبَهُ اَلموتُ حَتّی یُخرِجَهُ عَنها و مَن طَلَبَ الاخِرَةَ طَلَبَتهُ الدّنیا حَتّی یَستَوفِیَ رِزقَهُ مِنها

رزق و روزی دوگونه است: یکی آنکه انسان را می‌جوید و دیگری آنکه انسان آن را می‌جوید (خواسته انسان است). . .

کسی که دنیا را طلب می‌کند، مرگ او را می‌طلبد تا او را از دنیا خارج سازد و کسی که طالب آخرت است، دنیا در طلب او برمی آید، تا روزی کامل خود را از آن برگیرد.

بنا به فرمایش مولی امیرالمؤمنین (ع) رزق اقسامی دارد:

الف) طالب

یعنی رزق و روزی که بدون کار و تلاش یدی و جسمی حاصل می‌شود، همان رزق لایحتسبی که قران[2] از آن یاد می‌کند که از راه پاکی و درستی و تقوی حاصل می‌شود، رزق طالب یعنی رزق "خدادادی" که از خزائن بی‌کران خداوند که در شرایط خاصی ارزانی بندگان خاصی می‌شود.

رزق "خدادادی" خود دوگونه است:

۱- رزق خدادادی محض، مثل: امدادهای غیبی مادی خداوند

۲- رزق خدادادی غیرمحض، مثل: ارث، هدایا و عطایایی که از دیگران به انسان می‌رسد.

رزق خدادادی غیرمحض نیز به دو طریق قابل تصور است:

۱. بدون محاسبه و حساب کتاب قبلی:

مثل اینکه گاهی فردی بطور اتفاقی تنها وارث یکی از خویشان خود می‌شود در حوادثی مثل جنگ، زلزله و تصادفات و. . .، این اتفاق افتاده است که خانواده‌ایی کلا در چنین حوادثی از بین رفته‌اند و برادرزاده یا عموزاده ناگهان وارث دارائی‌های همه آنها یا فردی از آنها می‌شود یا اینکه فردی ناخواسته وصی یا امین فرد دیگری قرار می‌گیرد و از این طریق منافعی برایش حاصل می‌گردد.

1- All kinds of trade and business

۲- سوره طلاق، آیات ۲ و ۳

مَنْ یَتَّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

۲. با محاسبه و حساب کتاب قبلی:

مثل دریافت ارث از بستگان سببی یا نسبی شخص، دریافت و جوائز معلوم و از پیش تعیین شده، یا اخذ وجوهات شرعیه از مبادی معلوم

ب) رزق مطلوب

یعنی رزقی که باید دنبال آن رفت و آن را طلب کرد و بدست اورد. تا تلاش نکنید و دنبالش نروید به چنگ نمی‌آید.

هرکس تلاش کند آن را بدست اورد و کسانی که تلاش ندارند از آن بهره‌ایی هم ندارند.

این نوع رزق به آسانی و به راحتی به دست نمی‌آید، طبیعی است هرکس کار و تلاش بیشتری نماید، سهم بیشتری از آن خواهد برد، باید کار کرد و تلاش نمود و سختی کشید و رفت دنبالش، با نشستن و دست روی دست انداختن چیزی از آن رزق به سراغ انسان نمی‌آید.

اینجاست که کار و تلاش برای تحصیل و بدست آوردن رزق و روزی حلال اهمیت خاصّی می‌یابد.

تحصیل و به دست آوردن همین نوع رزق و روزی است که منشأ همه فعالیت‌های اقتصادی و زمینه ساز تمامی صنایع و مشاغل و در نتیجه رونق و پیشرفت جامعه خواهد بود.

تجارت و بازرگانی، نیز در راستای کسب همین قسم از رزق معنا و مفهوم پیدا می‌کند. در واقع تجارت، همان تلاش و کوششی است برای به دست آوردن "رزق مطلوب"

حکمت ٤٧٩

قال علی (ع): یَا بنَ آدَمَ، ألرِّزقُ رِزقان: رِزقٌ تَطلُبه، و رِزق یَطلُبُکَ، فان لَم تأته أتاکَ، فلا تَحمِل هَمَّ سَنَتِکَ علی هَمّ یَومِکَ، کفاک کُلُّ یومٍ علی ما فیه، فان تَکُنَ السَّنَهُ من عُمُرِکَ فانَّ الله تعالی سَیُؤتیکَ فی کُلِّ غد جدید ما قَسَمَ لکَ و ان لَم تکُنِ السَّنَهُ مَن عُمُرِکَ فما تَصنَعُ بالهَمّ فیما لیسَ لَکَ و لَن یَسبِقکَ الی رِزقِکَ طالبٌ، و لَن یَغلِبَکَ عَلَیه غالبٌ و لَن یُبطِیءَ عَنکَ ما قَدقَدَّرَ لکَ

ای فرزند آدم! روزی دوگونه است:

یکی آنکه تو در جستجوی آن هستی و دیگری آنکه تو را می جوید. که اگر به دنبال آن نروی به سراغ تو می‌آید. فکر و اندوه سال آینده را بر فکر و اندوه امروز اضافه مکن! بنابراین رسیدگی به مشکلات هر روز برای آن روز کافی است. اگر سال آینده جزء عمرت باشد، خداوند هر روز تازه، روزی تازه می‌دهد و اگر از عمرت نیست، چرا غم و اندوه چیزی بخوری که مربوط به تو نیست، بدان کسی پیش از تو به روزی تو نمی‌رسد و آن از دست تو بیرون نتواند آورد و آنچه برای تو مقدور شده، هرگز تأخیر نخواهد کرد!

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

شرائط و آداب تجارت

۱-۲ تجارت و آگاهی از احکام[1]

قال علی (ع): مَنِ اتَّجَرَ بغَیرِ فقه فَقَد ارتَطَمَ فِی الرِّبا

آن کس که بدون آگاهی از احکام، به تجارت بپردازد در ربا غوطه ور خواهد شد.

بدون تردید "تجارت و بازرگانی" یک دانش است که اصول و مبانی خود را دارد و آگاهی و فرا گیری این اصول بر هر تاجر و بازرگانی لازم و ضروری است.

و اگر چناچه به "تجارت و بازرگانی" بعنوان یک "حرفه و مهارت" نگاه کنیم، باز هم باید آن مهارت را یاد گرفت، کسب هر مهارتی نیز اصول و چهار چوبی دارد، مهارت آموختنی است.

"تجارت" از نظر شرع، یک فعالیت اقتصادی که ضوابط، مقررات و احکامی دارد، "فقه تجارت" متوّلی همان مقررات و احکام شرعی تجارت است.

۲-۲ تجارت و یاد خدا[2]

خطبه ٦/۲۲۲

وَ إِنَّ لِلذِّکْرِ لَأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْیَا بَدَلًا فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَیْعٌ عَنه. . .[3]

همانا ذکر و یاد خدا اَهلی دارد که آن را به جای زرق و برق دنیا برگزیده‌اند، لذا هیچ تجارت و داد و ستدی آنها را از یاد خدا باز نداشته است. (باز نمی‌دارد)

کارهای انسان هرچه باشد، فانی و ناپایدار است، محدود و کوچک است. اما هنگامی که آن را به ذات احدیت پیوند می‌دهد، پایدار و بی‌انتها می‌گردد و از عظمت و بزرگی بهره‌مند می‌شود.

نیروی انسان، هر چه باشد ضعیف و کوچک است، اما هنگامی که این قطره ناچیز به اقیانوس پر عظمت قدرت الهی، ضمیمه شود عظمت پیدا می‌کند و این است رمز و راز "یاد خدا" در کارها.

و اینجاست که تاجران و بازرگانان، بهتر است برای موفقیّت هرچه بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی خود، از یاد خدا غافل نباشند.

1- **Trade and know ledge of the rules**

۲- تجارت و یاد خدا: **Trade and remembrance of Allah**

۳- اشاره به آیه: رِجَالٌ لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ. . .
وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصلاه وَاصطَبِر عَلَیهَا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

۳-۲ تجارت و خشنودی و رضایت خدا[1]

حکمت ٤٢٩

قال علی (ع): إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسَرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِی غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَوَرِثَهُ رَجُلٌ فَأَنْفَقَهُ فِی طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ دَخَلَ الْأَوَّلُ بِهِ النَّارَ.

بزرگترین حسرت ها در قیامت حسرت شخصی است که ثروتی را از راه حرام به دست آورده و آن را برای کسی به ارث گذاشته که در راه خدا انفاق کرده است و خدا به خاطر این مال، او را داخل بهشت، و شخص اوّل را بخاطر همان وارد جهنم گردانیده است.

برای یک انسان مؤمن و معتقد "رضایت و خشنودی خداوند" مهمترین شاخصه حرکات و فعالیّت‌های او بوده، و قدم‌های خود را در همین جاده استوار می‌سازد.

از آنجا که دنیا، شبیه بازار می‌ماند و انسان بطور مداوم و پیوسته در حال داد و ستد و خرید و فروش است، چیزهایی را می‌خرد و به دست می‌آورد، و چیزهایی را می‌فروشد و آنرا از دست می‌دهد، تاجر و بازرگان معتقد در هر دو حالت به یاد خدا و در جهت خشنودی و کسب رضایت او فعالیت‌های اقتصادی خود را انجام می‌دهد.

انسان چه بخواهد و چه نخواهد، در این دنیا زندگی کاسبانه دارد، پس چه بهتر که با خدای خود معامله کند و او را طرف معامله خود قرار دهد و رضایتمندی او را مدار و ملاک قرار بماند.

و براستی چه اندوه و حسرتی بزرگتر از این که، انسان سرمایه های مادی و معنوی خود را بی جهت و بدون هیچگونه دست آوردی از دست بدهد و فقط دیگران از ان بهره‌مند و منتفع گردند و اسباب سعادت و رستگاری آنها شود؟!

مال و ثروت، وسیله است نه هدف. وسیله‌ای برای رسیدن به کمال و سعادت "لذا هم کسب و بدست آوردن آن با یاد و نام خدا باشد و هم استفاده و بهره‌مندی از آن برای خوشنودی خداوند."

٤-۲ تجارت و آزمایش الهی[2]

و قال (ص) یا علی (ع): إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ، وَ يَمُنُّونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَنَّوْنَ رَحْمَتَهُ، وَ يَأْمَنُونَ سَطْوَتَهُ، وَ يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ، وَ الْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ، فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ، وَ السُّحْتَ بِالْهَدِيَّةِ وَ الرِّبَا بِالْبَيْعِ.

قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَبِأَيِّ الْمَنَازِلِ أُنْزِلُهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ ؟

أَبِمَنْزِلَةِ رِدَّةٍ. أَمْ بِمَنْزِلَةِ فِتْنَةٍ ؟

فَقَالَ : بِمَنْزِلَةِ فِتْنَةٍ. [3]

1- Trade and pleasing to God
2- Trade and divine test

۳- خطبه ۱۵۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فرمودند: یا علی، مردم پس از من با ثروتشان آزمایش می‌گردند و دیندار بودن را منّتی بر خدا قرار می‌دهند. و با این حال انتظار رحمتش دارند. و از قدرت و خشمش خود را در امان می‌بینند، حرام او را با شبهات دروغین، و هوس‌های غفلت را حلال می شمارند. شراب را بنام "نبیند" رشوه را بنام "هدیه" و ربا را به اسم "تجارت" حلال می‌دانند. گفتم: ای پیامبر!! کار آنها را در چه مرتبه‌ای قرار دهیم؟ آیا بمنزله ارتداد و بازگشت از دین و یا مرحله فتنه و آزمایش بدانیم؟ فرمود: در مرحله فتنه و آزمایش بدان.

اسباب آزمون الهی فراوان است. خداوند به انحاء مختلف بندگان خود را می‌آزماید. یکی از این آزمون‌ها، بوسیله مال و دارایی انجام می‌گیرد. آزمون مالی نیز گونه‌هایی دارد :

گاهی از طریق "کاهش مال" یعنی فقر و نداری و گاهی بطریق "افزایش مال و فزونی" مال و ثروت صورت می‌گیرد، بعبارت دیگر: خداوند گاهی به "گرفتن و ستاندن" و گاهی هم به "دادن و اعطا مال" فردی را مورد آزمون قرار می‌دهد.

معمولا تاجران و بازرگانان، بدلیل دارایی و ثروتی که دارند در معرض آزمون قرار دارند، و تجارت وسیله آزمون آنهاست. برخی تاجران و ثروتمندان به سوی "تجارت حرام" شتافته و به اسم تجارت، به رشوه‌خواری، ربا و لهو و لعب پرداخته‌اند.

۵-۲ تجارت و تلاش معقولانه[1]

حکمت ۳۹۳

قال علی (ع): خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَتَاكَ، وَتَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ.

از دنیا همان قدر بگیر که به تو می‌رسد و آنچه از تو رو گردانده بدنبالش مشتاب، و اگر چنین نمی‌کنی لااقل تلاش معقولانه و مشروع کن.

خداوند به انسان عقل داد، تا کارهای خود را بر محور آن و عاقلانه انجام دهند. عقل در کنار وحی و شرع، میزان و شاقول راستی و درستی کارهاست. عقل و شرع هر کدام دلیل مستقلی برای سنجش کارها بوده. در تجارت و بازرگانی، علاوه بر رعایت موازین شرعی، باید موازین عقلی نیز لحاظ نمود. حال اگر موازین شرعی و عقلی هر دو مراعات شود که چه بهتر!! اما اگر به هر دلیلی، احکام شرعی لحاظ نگردد لااقل باید اصول و معیارهای عقلی را مدنظر قرار داد. و از تلاش‌های غیرعاقلانه اجتناب نمود، تجارت و کار و کاسبی، بدون محاسبه امکان‌پذیر نیست و محاسبه (حساب و کتاب) یک کار عقلی است. بنابراین، لازمه کار تجارت، عاقل بودن و عاقلانه تلاش کردن است.

1- Trade reasonable efforts

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

۲-۶ تجارت و عمل صالح

حکمت ۱۱۳

قال علی (ع): . . . وَ لَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ

هیچ تجارتی همچون عمل صالح نیست.

بر اساس آموزه‌های دینی، دنیا شبیه بازار است، در این بازار کالاهایی عرضه شود، بعضی فروشنده، بعضی خریدارند، عده‌ای سود می برند، عده ای دیگر زیان می بینند.

آنهاییکه سود می‌برند، برخی سود فراوان، و برخی سود اندک عائدشان می‌شود، و آنهاییکه زیان می‌بینند، بعضی ضرر و زیان اندک و بعضی ضرر و زیان فراوان.

بهترین و با ارزشترین کالاها "عمل صالح" و بهترین و پرسودترین معامله، معامله‌ای با خداوند است.

بازرگان مؤمن و معتقد، تلاش می کند در این بازار آشفته بهترین کالا را عرضه نماید و بیشترین سود را ببرد و با بهترین خریدار معامله نماید.

۲-۷ تجارت و ورع و پرهیزکاری[۱]

أَيْنَ أَخْيَارُكُمْ وَ صُلَحَاؤُكُمْ ! وَ أَيْنَ أَحْرَارُكُمْ، وَ سُمَحَاؤُكُمْ وَ أَيْنَ الْمُتَوَرِّعُونَ فِي مَكَاسِبِهِمْ، وَ الْمُتَنَزِّهُونَ فِي مَذَاهِبِهِمْ

کجا هستند خوبان شما، صالحان، آزاد مردان و سخاوتمندان شما؟ کجا هستند کسانی که در کسب و کارشان با ورع بودند، و در مذهب (راه و روش) خود از بدی‌ها دوری می‌جستند؟!

انسان، به مثابه و مانند مسافری می ماند که سفری طولانی و سخت در پیش دارد و باید منازلی را پشت سر بگذارد. در این سفر نیاز به زاد و توشه دارد، بهترین توشه "تقوی و پرهیزگاری" است.[۲]

بنابراین تجّار و بازرگانان، همانگونه که کارشان تهیّه آذوقه و نیازمندی‌های همنوعان خود در این منزل از منازل پیش رو می‌باشد باید تلاش کنند بهترین زاد و توشه را هم برای خود و هم برای دیگران که همانا تقوی است همراه سازند، و از چیزهایی که اصلاً شایستگی زاد و توشه بودن ندارند، دوری گزینند.

۲-۸ تجارت و آسان‌گیری[۳]

۲-۹ تجارت و پرهیز از احتکار[۴]

وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعاً سَمْحاً: بِمَوَازِينِ عَدْلٍ، وَأَسْعَارٍ لاَ تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ، فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنَكِّلْ بِهِ، وَعَاقِبْهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ. [۱]

۱- تجارت و ورع و پارسایی: **Trade and piety: Trade and piety:**

۲- وان خیرالزاد التقوی

۳- تجارت و آسان گیری: **Trade and leniency**

۴- تجارت و پرهیز از احتکار: **Trade and avoid speculation**

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

باید معاملات با شرائط آسان صورت گیرد، با موازین عدل و نرخ‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار! و هر گاه کسی پس از نهی تو از احتکار به چنین کاری دست بزند، او را کیفر کن! و در مجازات او بکوش، ولی این مجازات نباید پیش از حد باشد.

"تجارت و کاسبی"، آداب و شرائطی دارد، تاجر خوب، تاجری است که آداب تجارت را خوب بداند و شرائط و ساز وکارهای آنرا فرا گیرد و رعایت نماید که در این مقاله به برخی از آن شرائط اشاره گردیده. رفق، مدارا و آسان‌گیری و رعایت حال مشتریان یکی از اصول تجارت و کاسبی است، سخت‌گیری کردن با مشتریان، باعث پراکندگی و فاصله گرفتن آنها می‌شود و در نتیجه به ورشکستگی تاجر و کاسب می شود. همین طور که تجارت، شرائط و ساز و کار خودش را دارد، با آسیب هایی نیز مواجه است "احتکار" یکی از آن آسیب‌ها می‌باشد.

۱۰-۲ تجارت و توجه به آخرت[۲]

وَ لَبِئْسَ الْمَتْجَرُ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَناً، وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عِوَضاً ! وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا. . .[۳]

چه بدتجارتی است که انسان، دنیا را بهای خویشتن ببیند، و به جای نعمتها و رضایت پروردگار در آخرت، زندگی این جهان را برگزیند.

دنیا، محل گذار و عبور است و همه زندگی انسان در همین دنیا خلاصه نمی‌شود. بلکه حیات و زندگی دنیوی مقدمه و بستری است برای حیات اُخروی، و مرگ پلی است برای انتقال از زندگی محدود و گذرا به یک زندگی نامحدود و پایدار.

ماهئیت و چیستی مرگ، شکفتن و پایندگی است، باطن مرگ، زندگی و جاودانگی است، به قول مولوی:

ظاهرش مردن، به باطن زندگی است ظاهرش ابتر، نهان پایندگی

از رَحِم زادن، جنین را رفتن است در جهان، او را زنو بشکفتن است

حال که اینگونه است: زندگی دنیوی، همه بهای انسان نیست، بهای انسان خیلی فراتر از این دنیاست، بنابراین:

یک کاسب و تاجر، علاوه بر تلاش و فعالیت دنیوی خود، باید توجه به گذرا بودن این دنیا، و باقی بودن آخرت داشته باشد، و از یاد آخرت غافل نباشد.

۱- نهج البلاغه نامه ۵۳/۱۰۰-۹۹

[۲] **According to the trade and the hereafter**

۳- خطبه ۴/۳۲

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

۲-۱۱ تجارت و تلاش مفید و سودمند[1]

حکمت ۴۳۰

قال علی (ع): إِنَّ أَخْسَرَ النَّاسِ صَفْقَةً، وَ أَخْيَبَهُمْ سَعْياً، رَجُلٌ أَخْلَقَ بَدَنَهُ فِی طَلَبِ مَالِهِ، وَ لَمْ تُسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِرَادَتِهِ، فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِحَسْرَتِهِ، وَ قَدِمَ عَلَى الْآخِرَةِ بِتَبِعَتِهِ.

زیان‌مندترین مردم در معاملات و ناامیدترین آن ها در تلاش و سعی، کسی است که خویشتن را در راه بدست آوردن مال فرسوده کرده ولی مقدرات، او را برای رسیدن به خواسته هایش یاری نکرده اند، از دنیا با حسرت آن بیرون رفته و در آخرت با گناه آن گام نهاده است.

کار بی‌حاصل و بی‌نتیجه، روح و جسم انسان را خسته و ملول می‌کند هر کاری باید، نتیجه خاص خودش داشته باشد.

کار بی‌نتیجه و بی‌ثمر، واقعاً زیانبار و خسران است و آدمی را فرسوده می‌کند.

تلاش و کوششی که انسانها انجام می‌دهند معمولاً آثاری در پی دارد:

ـ قوای آدمی را فعّال، پویا و آماده می‌سازد.

ـ از منافع مادی آن بهره‌مند می‌شود.

ـ امید به زندگی و ادامه حیات پیدا می‌کند.

ـ از ثواب و پاداش اُخروی برخوردار می‌گردد.

حال اگر یک تاجر و بازرگان، از منافع مادی کارش بهره‌مند نگردد، نه تنها قوای خود را تحلیل داده و فرسوده نموده، امید به زندگی را از دست می‌دهد، و شاید که از ثواب اُخروی هم بی‌بهره بماند و در نتیجه، زیانبار خواهد بود.

۲-۱۲ تجارت و نظارت حکومت

وكُلٌّ قَد سَمَّى اللهُ لَهُ سَهمَهُ. . .

ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتُّجَّارِ وَ ذَوِی الصِّنَاعَاتِ، وَأَوْصِ بِهِمْ خَيْراً الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَالْمُضْطَرِبِ بِمَالِهِ، وَالْمُتَرَفِّقِ بِبَدَنِهِ[2]

و برای هر کدام از این گروه‌ها خداوند سهمی را مقرر داشته و در کتاب خدا یا سنت پیامبر (ص) این سهم را مشخص و معین ساخته است.

سپس به تجار و (بازرگانان) و صاحبان صنایع توصیه کن! و آنها را به خیر و نیکی سفارش نما. (و در این توصیه بین) بازرگانانی که در شهر و یا ده هستند (و دارای مرکز ثابت و تجارتخانه‌اند) و آنهایی که سیّار و در گردشند، و نیز صنعتگرانی که با نیروی جسمانی خویش به کار صنعت می‌پردازند، تفاوت مگذار.

۱- تجارت و تلاش مفید و سودمند: **trade and tried helpful**

۲- نامه ۴۳/۵۳ و ۹۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

حکومت وظائفی دارد از جمله:

ـ فراهم آوردن شرائط کار و کاسبی، تجارت و صنعت در جامعه

ـ تشویق، ترغیب و توجه مردم به تجارت و صنعتگران و کارو کاسبی

ـ برقراری امنیت تاجران، بازرگانان، کاسبان و صنعتگران

ـ نظارت بر عملکرد آنان (نه دخالت)

طبق فرمایش امام (ع) کار حاکم و حکومت، نسبت به تجّار و صاحبان صنایع، توجیه، سفارش و نظارت است نه دخالت، کار تجارت و صنعت را باید نوعاً خود مردم انجام دهند، و حکومت شرائط و ساز و کار آنها را فراهم سازد و بر کارشان نظارت داشته باشد.

از طرفی بازرگانان و صاحبان صنایع چند دسته‌اند:

۱- بازرگانان و تجّار بزرگی که دارای مراکزی ثابت و به اصطلاح دارای دفتر و تجارتخانه هستند.

۲- بازرگانان و تجّار کوچکتر و میانی که دارای مراکز تجاری کوچک اما ثابت هستند.

۳- بازرگانان سیّار و در گردش که به اصطلاح دوره گردی می کنند.

۴- صنعتگران و صاحبان صنایع بزرگ که با دستگاه‌های مکانیکی کار می‌کنند، مثل کارخانه‌های بزرگ و پالایشگاه‌ها و. . .

۵- صنعتگران و صاحبان صنایع کوچک که با نیروی جسمانی خود، مسئول کار می‌باشند، مثل کارگاه‌های کوچک نجاری، آهنگری و. .

طبیعی است که کار نظارت و بازرسی حکومت از تجارتخانه‌ها و صاحبان صنایع متفاوت خواهد بود. یعنی میزان و درجه نظارت، بازرسی و کنترل به نسبت کار تجارت و صنعت فرق می‌کند. و با توجه به شرائط خاص نوع تجارت و صنعت، نظارت و کنترل خاص خود را اقتصاء می‌کند.

۱۳-۲ تجارت و میانه‌روی[1]

حکمت ۱٤۰

قال علی (ع): ما عالَ، مَنِ اقتَصَدَ

کسی که در خرج کردن میانه روی نماید، هرگز نیازمند نخواهد شد.

افراط و تفریط در هر کاری مذموم و ناپسند است و باید از ان اجتناب و پرهیز نمود. زیرا افراط و تفریط ثمره‌ی جز ضرر و زیان و هدر دادن سرمایه ندارد.

یک تاجر و بازرگان، باید به طور جدی از هر کدام از دو مقوله افراط و تفریط دوری نماید و رویه اعتدال و میانه روی در کار خود پیشه خود سازد.

۱- میانه روی، اعتدال: **Trade and moderation**

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

افراط در تجارت و بازرگانی به این است که مثلاً: بیش از حد توانش کالایی را تهیه و خریداری نماید، گران فروشی و احتکار کند، در کارش بی‌اندازه سخت‌گیر و بداخلاق باشد.

و تفریط در بازرگانی و تجارت در این است که مثلاً: در کار تجارت بی‌خیالی کند، بی‌اندازه مماشات نماید، در تولید و یا خرید و فروش سهل انگار و کوتاهی کند. . .

۲-۱٤ تجارت و ثواب عبادت[1]

قال علی (ع): و فَرَضَ عَلَیکُم حَجَّ بَیتِهِ ألحرام. . .

یُحرِزُونَ الأرباحَ فی مَتْجَرِ عِبادتِه

حج بیت الحرام را بر شما واجب کرده است. . .

سودهای فراوان در این «تجارتخانه عبادت» بدست آورند (یعنی حج یک عبادت تجاری است که سودهای فراوانی عائد حاجی می‌شود)

جالب اینکه از فریضه حج به عنوان «تجارتخانه عبادت» یاد شده، این بدان معناست که «حج» کانون عبادت و سرمایه‌ای بس عظیم است که مشتری و خریدار اصلی آن خداوند تعالی است. خداوند به حج نگاه ویژه‌ای دارد زیرا کنگره‌ای و اجتماع بزرگ معامله‌کنندگان با خداست.

همانگونه که به حج بعنوان تجارت با خدا دیده شده، یعنی به حج نگاه تجاری- معنوی شده، به تجارت نیز نگاه عبادی شده و بعنوان یک عبادت دیده شده است. و انتظار می‌رود بسیاری از تاجران و کاسبان علاوه بر کسب منافع مادی، به ثواب و پاداش اُخروی کارشان نیز توجه داشته باشند.

۲-۱۵ تجارت و خودسازی[2]

قال علی (ع): انَّ ألدنیا دادُ صِدْقٍ لِمُنْ صَدَقَها. . .

و مَتْجَرُ اَوْلیاءِ الله. . .

همانا این دنیا جایگاه صدق و راستی است برای آنکس که آنرا تصدیق کند (با آن براستی رفتار کند). . .

و تجارتخانه اولیاء الله است.

نگاه به دنیا دوگونه بوده و هست، رویکرد قرآن هم به دنیا دوگونه است، در یکجا می‌فرماید:

انما الحیاهُ الدنیا لَعِبٌ و لهوٌ[3]

همانا زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی است.

وَمَا هَذِهِ الْحَیَاةُ الدُّنْیَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ[4]

زندگی این دنیا چیزی جز لهو و لعب نیست.

1- Trade and reward of worship
2- Business and foppery

۳- حدید ۲۰

۴- عنکبوت ۶۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا. . .[۱]

زندگی دنیا شما را فریب ندهد.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ. . .[۲]

همانا دنیا همانند بارانی است که از آسمان نازل کردیم. . .

یعنی همانند باران، رحمت الهی است و منشا آثار و برکاتی است.

وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا. . .[۳]

هرگز نصیب و سهم خود را از دنیا فراموش نکن. . .

یعنی باید تلاش کنید و سهمی که خداوند در این دنیا برای شما مقرر نموده، بدست آوری، و حق کوتاهی کردن نداری!

همین دو نگاه و رویکرد در روایات اسلامی به وفور دیده می شود.

لیکن در مقام مقایسه بین دنیا و آخرت، آخرت را برتر و ماندگار می‌داند و این دنیا را نردبان و وسیله‌ای برای رسیدن به آن جهان می‌پندارد. بنابراین هدف از زندگی دنیوی و فعالیت‌ها در آن، وصول و رسیدن به سعادت و رستگاری جاودانه آخرت است. خودسازی همان محور و معیاری است که انسان را به سعادت می‌رساند. ارزش تمامی فعالیت‌ها، از جمله فعالیت‌های اقتصادی، تجارت و بازرگانی این است که انسان را به خودسازی و در نهایت به سعادت اُخروی برساند.

۱۶-۲ تجارت و بردن سود[۴]

خطبه ۱۹۳ (متقیّن _ یا همّام)

حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ، صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً، تِجَارَةٌ مُرْبِحَةٌ، يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ...

نیازمندی‌هایشان خفیف (سبک و اندک) ارواحشان عفیف و پاک است، برای مدتی کوتاه در این جهان صبر و استقامت ورزیده و راحتی بس طولانی بدست آوردند. . .

تجارتی است پر سود، که پروردگارشان برایشان فراهم ساخته. . .

اصلا تجارت و بازرگانی برای کسب در آمد و سود بردن است. سود متعارف و مشروع در معاملات، امر ضروری و پسندیده است.

شرع مقدس، کسب سود در معاملات و فعالیت های اقتصادی را به رسمیت شناخته، و از کاسبان و تاجران می خواهد که در معاملات خود رعایت انصاف را داشته باشند، و اجناس خود را گران نفروشند، اما در

۵- لقمان ۳۳

۱- یونس ۲۴

۲- قصص ۷۷

۳- تجارت پرسود: **Lucrative trade**

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

عین حال، باید از منافع و سود تجارت بهره‌مند شوند، چرا که تجارت بی‌سود، همانا ضرر و زیان خواهد بود.

۲-۱۷ تجارت و احسان و بخشش (پرهیز از گران‌فروشی)[1]

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ عَضُوضٌ، يَعَضُّ الْمُوسِرُ فِيهِ عَلَى مَا فِي يَدَيْهِ وَ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَلِكَ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ "وَ لا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ"؛ تَنْهَدُ فِيهِ الْأَشْرَارُ وَ تُسْتَذَلُّ الْأَخْيَارُ وَ يُبَايِعُ الْمُضْطَرُّونَ، وَ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَنْ بَيْعِ الْمُضْطَرِّينَ.

زمانی در پیش است سخت، که ثروتمندان بر آنچه در دست دارند دندان می‌فشارند. در حالی که چنین دستوری به آنها داده شده است.

خداوند سبحان می‌فرماید:

احسان و بخشش بین خود را فراموش نکنید.

در آن زمان اشرار و بدان را بلند مرتبه، و نیکانرا خوار می‌کنند، و مردم بینوا هستی خود را از روی اضطرار به قیمت کم می‌فروشند. و متمکنان از آنها می‌خرند در حالی که پیامبر (ص) از چنین معامله‌ای نهی کرده است.

یکی از ساز وکارهای تجارت و کسب و کار، احسان و نیکی با مردم است. تاجر، باید نیکوکار و اهل بخشش باشد و از گرانفروشی و کم فروشی بشدت پرهیز نماید.

در معاملات خود با مردم، سخت‌گیر، لجوج و یک دنده نباشد، کم بگیرد اما بیشتر بدهد. با مردم به نیکی و مدارا رفتار نماید.

زیرا، احسان و نیکی کردن به مردم، سبب جذب و جلب مشتری بیشتر و در نتیجه رونق پیدا کردن تجارت و کاسبی می شود.

فصل ۳: ویژگی‌ها و خصوصیات تاجران

۱-۳ تجّار و ضرورت وجود آنها

نامه ۵۳ / ٤١

وَ اعْلَمْ اَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقاتٌ لايَصْلُحُ بَعْضُها اِلاّ بِبَعْض، وَ لا غِنى بِبَعْضِها عَنْ بَعْض :. . . وَ مِنْها التُّجّارُ وَ اَهْلُ الصِّناعاتِ. . .

ای مالک ! همانا بدان که مردم از طبقات و گروه های مختلفی تشکیل یافته‌اند، که هر کدام جز به وسیله دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شوند و هیچکدام از دیگری بی‌نیاز نیستند.

این گروه‌ها عبارتند از: . . .

۱- گران فروشی: **Overcharging**

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

از جمله آنان، تجار (بازرگانان) و صنعتگران هستند.

واضح است که در یک جامعه، طبقات و اقشار مختلفی از مردم وجود دارند، که وجود هر یک از آنها لازم و ضروری است و کفایت از وجود اقشار و صنوف دیگر نمی‌کند.

تاجران و صنعتگران، وجودشان در جامعه ضروری و حیاتی است. پیشرفت و رونق اقتصادی هر جامعه، منوط به وجود و فعالیت صاحب صنعت و تجارت است.

اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی، بستر رشد و شکوفایی سایر طبقات و صنوف را فراهم می‌سازند.

۲-۳ تجّار، اسباب و آسایش و آرامش

فَاِنَّهُمْ مَوادُّ الْمَنافِعِ، وَ اَسْبابُ الْمَرافِقِ، وَ جُلّابُها مِنَ الْمَباعِدِ وَ الْمَطارِحِ، فی بَرِّکَ وَ بَحْرِکَ، وَ سَهْلِکَ وَ جَبَلِکَ، وَ حَیْثُ لایَلْتَئِمُ النّاسُ لِمَواضِعِها، وَ لایَجْتَرِئُونَ عَلَیْها. . .

چرا که آنها (یعنی تجّار و صنعتگران) منابع اصلی منافع و اسباب آسایش جامعه به شمار می‌روند، آنها هستند که از سرزمین‌های دور دست، از پرتگاه‌ها و کوهستان‌ها و دریاها، و سرزمین‌های هموار و ناهموار، مواد مورد نیاز را گرد می‌آورند، از مناطقی که عموم مردم با آن سروکاری ندارند، و جرات رفتن به آن سامان را نمی‌کنند.[۲]

۳-۳ تجّار، عامل صلح و دوستی

نامه ۵۳ / ۹۷

فَاِنَّهُمْ سِلْمٌ لاتُخافُ بائِقَتُهُ، وَ صُلْحٌ لاتُخْشی غائِلَتُهُ. وَ تَفَقَّدْ اُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِکَ وَ فی حَواشی بِلادِکَ

(توجه داشته باش) که از بازرگانان (پیشه وران) و صنعتگران مردمی سالمند و از نیرنگ و شورش آنها بیمی نیست، آنها صلح دوست[۳]و آرامش طلبند، اما باید از وضع آنان (چه آنها که در مرکز فرمانداری تو زندگی می‌کنند و چه آنها که در گوشه و کنار هستند) جستجو و بازرسی کن.

٤-۳ تجّار و اهل نیکوکار بودن

حکمت ۲۵۸

إذَا أَمْلَقْتُمْ، فَتاجِرُوا اللّهَ بِالصَّدَقَةِ

آن گاه که فقیر و نیازمند شدید، با خداوند بوسیله صدقه تجارت کنید.

1- Merchants and industrialists
2- Mechants comfort and peace
3- Businessman peace and friendship

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ماهیت کار تجارت و بازرگانی، نیکوکار بودن است، چرا که نیکوکاری و بذل و بخشش، فرع دارایی و توانگری است، یعنی کسی که داراست می تواند احسان کند و ببخشد. فردی که چیزی در بساط ندارد، چه چیزی را ببخشد؟! از شخص فقیر و ندار، انتظار بخششی هم نیست.

لذا خمس، زکات، مالیات و غیره بعنوان تکالیف مالی، متوجه کسانی است که دارا هستند، و الّا کسی که ندارد تکلیف شرعی مالی هم ندارد. پس تاجران، بازرگانان و صنعتگران، بعنوان صاحبان ثروت و دارایی، باید نیکوکاران و اهل انفاق و بذل و بخشش باشند، از آنان انتظار دارد.

۵-۳ تجّار و رغبت به کار و تلاش

حکمت ۲۳۷

إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ شُكْراً فَتِلْكَ عِبَادَه الاحرَار. . .

همانا گروهی خدا را از روی میل و رغبت (به بهشت) پرستش و عبادت می‌کنند این عبادت تجار است و گروهی او را از روی ترس می‌پرستند و این عبادت بردگان است

و گروهی خدا را بخاطر شکر نعمت‌ها (و اینکه او شایسته عبادت است) می‌پرستند و این عبادت آزادگان است.

بدون شکست، رغبت به کار و تلاش در میان تاجران، بازرگانان و صنعتگران، بمراتب از دیگر اقشار بیشتر است، زیرا مضافاً بر اینکه بطور طبیعی افراد توانگر و دارا، دوست دارند به توانگری و دارایی خود بیفزایند، از طرفی آنان نمی‌توانند سرمایه‌های خود را راکد نگه دارند و به ناچار سرمایه‌های خود را به گردش در می‌آورند و این یعنی ایجاد کار و تلاش.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فصل٤ : تاجران و خطرات پیش‌روی

نامه ۳۱ / ۷-۹٦

وَ مِنَ اَلْفَسَادِ إِضَاعَةُ اَلزَّادِ، وَ مَفْسَدَةُ اَلْمَعَادِ. وَ لِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ، سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قُدِّرَ لَكَ. اَلتَّاجِرُ مُخَاطِرٌ. وَ رُبَّ يَسِيرٍ أَنْمَى مِنْ كَثِيرٍ **!**لاَ خَيْرَ فِي مُعِينٍ مُهِينٍ، وَ لاَ فِي صَدِيقٍ ظَنِينٍ.

از موارد فساد (و مفسده): از بین بردن زاد و توشه، و تباه ساختن معاد است. هرکاری سرانجامی دارد، بزودی آنچه برایت مقدر شده به تو خواهد رسید، هر بازرگانی همواره خود را در مخاطره می‌اندازد (تا نتیجه گیرد).

بسیار شده که سرمایه کم رشدش از سرمایه زیاد بیشتر بوده است نه در کمک کار (کمک‌کننده) پست خیری وجود دارد، و نه در دور دست متهم و طنین.

همانگونه که هرکاری با خطرات و آسیب‌هایی مواجه بوده، تجارت هم خطرات و آسیب‌های خاص خودش را دارد، که تجّار باید تلاش کنند از این خطرات بدور بوده و گرفتار آنها نشوند. . .

تجارت و بازرگانی، کاری بسیار مهم و با اهمیّت بوده، لذا با خطرات جدی ومشکلات خاصی روبرو بوده، یک تاجر موفق، تاجری است که این مشکلات و خطرات را بشناسد، موانع کار را بداند و برای مواجه نشدن با آنها تدابیری بیندیشند.

در اینجا به برخی از این خطرات اشاره می‌شود:

٤-١ تجار و خطر احتکار[1]

نامه ۵۳ / ۹۸

و اِعْلَمْ - مَعَ ذَلِكَ- أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضِيقاً فَاحِشاً، وَ شُحّاً قَبِيحاً، وَ اِحْتِكَاراً لِلْمَنَافِعِ، وَ تَحَكُّماً فِي اَلْبِيَاعَاتِ، وَ ذَلِكَ بَابُ مَضَرَّةٍ لِلْعَامَّةِ، وَ عَيْبٌ عَلَى اَلْوُلاَةِ، فَامْنَعْ مِنَ اَلاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اَللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ. . .

ولی بدان با همه آنچه گفتیم در میان آنها گروهی تنگ نظر و بخیل، آنهم بصورت قبیح و زشت آن می‌باشند، که همواره در پی احتکار مواد مورد نیاز مردم و تسلط یافتن بر تمام معاملات هستند. و این موجب زیان توده مردم، و عیب و ننگ بر زمامداران است. از احتکار به شدّت جلوگیری کن، که همانا رسول خدا (ص) از آن منع فرمود.

یکی از خطرات جدی و بنیادی تجارت «احتکار» است. احتکار از ماده «حکر» است و «حکر» به معنای ذخیره کردن مواد غذایی به امید و انتظار بالا رفتن قیمت است.

به نظر برخی از لغت شناسان «احتکار» به معنای :

جمع‌آوری و نگهداری طعام و آنچه که خورده می‌شود. به امید گران شدنش است.[2]

1- Traders and risk of speculation

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۴ ص ۲۰۸، چاپ سوم، بیروت ۱۴۱۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

به طور مسلم، احتکار در شرع مقدس نهی شده است و عده زیادی از فقها آنرا حرام دانسته‌اند.[۱]

در روایات اسلامی، احتکار را به شدت نکوهش شده، برای نمونه:

امام علی (ع) فرموده:

احتکار، خصلت تاجران است.[۲]

محتکر اهل معصیّت و گناهکار است.[۳]

محتکر ملعون است.[۴]

بنابراین، تجّار و بازرگانان، باید از احتکار و ذخیره‌سازی مواد غذایی مردم به امید بالا رفتن قیمت دوری گزینند.

۲-٤ تجّار و خطر کبر و غرور

مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ. . . إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمِّلِ مَا لاَ يُدْرِكُ. . . رَهِينَةِ الْأَيَّامِ وَ رَمِيَّةِ الْمَصَائِبِ، وَ عَبْدِ الدُّنْيَا، وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ، وَ

(این نامه‌ای است) از پدری فانی. . . به فرزندی آرزومند چیزی که هرگز بدست نمی‌آید. . . گروگان روزگار، در تیررس مصائب، بنده دنیا، و بازرگان مغرور

کبر و غرور، آفت و آسیبی است که با شانیت انسان سازگاری ندارد، و انسان را از مقام و منزلتش ساقط می‌کند.

ماهیت انسان (بعنوان مخلوق و آفریده) با تواضع و فروتنی توام بوده، و اینکه انسان موظف و مکلّف به بندگی خدا شده، خواستگاه طبیعت و ماهیت اوست.

حال انسان در هر موقعیتی که باشد، باید روحیه تواضع و فروتنی خود را حفظ نماید و از تکبر و غرور بی‌جا دوری نماید.

گرچه احساس غنی و بی‌نیازی، ملازم با کبر و غرور است، تجار و بازرگانان، چون با ثروت و دارایی همراه و مقرون هستند لذا بطور مداوم و پیوسته با خطر غرور و تکبر (و خود بزرگ بینی) مواجه هستند که باید مواظب باشند که در دام این خطر نیفتند.

۳-٤ تجّار و خطر ورشکستگی

. . . و تُجّاراً بِلا أرباحٍ، و أيْقاظاً نَوما، و شُهُوداً غُيَّباً. . .

تجّاری (تاجرانی) بی سود، بیدارانی در خواب، و حاضرانی غائب. . .

۱- امام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۶۱۱

۲- غرر الحکم و درر الحکم، ص ۳۶۱

۳- دعائم الاسلام، ابن حیّون، لقمان بن محمد مغربی

۴- کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۶۰

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بزرگترین خطری که یک تاجر و بازرگان را تهدید می کند «خطر ورشکستگی» است. ورشکستگی در تجارت، خطر بسیار ناگواری است که تاجر را به ایستگاه آخر فعالیّت اقتصادی و بعضاً به نقطه صفر می‌رساند.

همانگونه که پیشرفت و رونق در تجارت، سازوکار خودش را دارد، ورشکستگی نیز فرآیندی دارد. ورشکستگی، مراتب و درجاتی دارد و متاثر از شرائط پیرامونی مختلفی است، تاجر باید این شرائط را مراقبت نماید.

تجارت با خطرات دیگری نظیر: گرانفروشی، کم‌فروشی و. . . مواجه بوده که فعلا از پرداختن به آنها صرف نظر می‌شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]